

۱- معنی چند واژه درست آمده است؟

«کیوان: سیاره مشتری / سردمدار: رئیس / افسر: دهانه / سپردن: طی کردن / تجلی: روشنی / سالار: حاکم / زه: وتر / خیره: سرگشته / رعب: دلهره / طاقت‌فرسا: خسته‌کننده / معرکه: میدان جنگ»

(۱) نه (۲) هشت (۳) هفت (۴) شش

۲- در کدام گزینه معنی همه واژه‌ها درست است؟

- (۱) راست و ریس - دیهیم - شیر اوژن - پدرام : مهتیا - تاج - دلاور - شاد
 (۲) زَبر - معیار - آورد - درع - تکریم: فوق - اندازه - جنگ - جانور درنده - بزرگداشت
 (۳) تاب - سنان - ترگ - هیبت - باره: پیچ و شکن - سرنیزه - آهن کوب - گروه - حصار
 (۴) دمان - بارگی - جاه - فوج - چاره‌گر: خاندان - اسب - مقام - گروه - مدّبر

۳- کدام گزینه نادرست است؟

(۱) هماورد: حریف، رقیب (۲) گرد: دلیر، پهلوان (۳) عامل: منصب (۴) ویله: صدا، آواز

۴- «رخ سوی توران کردن» یعنی

(۱) توجه کردن (۲) برگشت به سمت جایی (۳) پشت کردن (۴) بی‌اعتنایی کردن

۵- در میان واژگان زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«خصم، خطه نقر، طنزگویی و زبان‌آوری، ازم، زجر، غنیمت فرصت، مجال انتقام»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۶- مفهوم کدام بیت با دیگر گزینه‌ها مشترک نمی‌باشد؟

- (۱) سرسبز آن درخت که از تیشه ایمن است / فرخنده آن امید که حرمان نمی‌شود
 (۲) در ازدحام این همه ظلمت بی‌عصا / چراغ را هم از من گرفته‌اند
 (۳) ما چون ز دری پای کشیدیم، کشیدیم / امید ز هر کس که بریدیم، بریدیم
 (۴) منم کز هر طرف دردی دلم را پیش می‌آید / به هر جا پای می‌نهم بر نیش می‌آید

۷- کدام یک از بیت‌های زیر با دیگر گزینه‌ها قرابت معنایی ندارد؟

- (۱) در گلستانی که من آهی کشم تا روز حشر / غنچه را حسرت‌فروش جلوه شبنم کنم
 (۲) فرق از دکان خود نکند پیر می فروش / در جوش داغ بیند اگر سینه مرا
 (۳) اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد / من و ساقی به هم سازیم و بنیادش براندازیم
 (۴) روزگاریست که سودای بتان دین من است / غم این کار نشاط دل غمگین من است

۸- در کدام گزینه «ممال» وجود ندارد؟

- (۱) به فیروزی گنبد لاجورد / ببوشند گردان سلیح نبرد
 (۲) ای برادر با تو گویم شرح عشق و عاشقی / نپنداری که این کار مزیح است و فسوس
 (۳) دید آن بانو چو شه را بی‌حجیب / در تحیر ماند از آن سر عجیب
 (۴) نیست نقصان مرا حزین از مرگ / عشق سرمایه بقای من است

۹- کدام بیت «اغراق» دارد؟

- (۱) همی رنجه داری تن خویش را / دو بازوی و جان بداندیش را
 (۲) به گرز گران دست برد اشکبوس / زمین آهنین شد سپهر آبنوس
 (۳) برآهیخت رهام گرز گران / غمی شد ز پیکار، دست سران
 (۴) چو رهام گشت از کشانی ستوه / بیچید زو روی و شد سوی کوه

۱۰- واژه «جام» رکنی از تشبیه در بیت زیر است. این واژه در بیت گزینه نیز همان رکن تشبیه است.

«جز از جام توحید هرگز ننوشم / زنی گر به تیغ ستم گردن من»

(۱) ای که اندر شکست ما کوشی / آشتی کن، چو جام ما نوشی

(۲) به کام خویش جامی می نخوردم / که جام زهرش اندر پی نخوردم

(۳) مجنون ز جام طلعت لیلی چو مست شد / فارغ ز مادر و پدر و سیم و زر فتاد

(۴) چون بیپایی کرد و بر من ریخت زان سان جام چند / آن می چون زر سرخم برد اندر کان خویش

۱۱- شاعر در سرودن کدام گزینه از «شیوه بلاغی» استفاده کرده است؟

(۱) مکش آن آهوی مشکین مرا ای صیاد / شرم از آن چشم سیه‌دار و میندش به کمند

(۲) گفت‌وگو آیین درویشی نبود / ورنه با تو ماجراها داشتیم

(۳) سعی نابرده در این راه به جایی نرسید / مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد ببر

(۴) ماه خورشید نمایش ز پس پرده زلف / آفتاب‌بست که در پیش سحابی دارد

۱۲- در کدام گزینه «پیاده» نهاد است؟

(۱) کُشانی پیاده شود، هم‌چو من / بدو روی خندان شود انجمن

(۲) پیاده مرا زان فرستاد، طوس / که تا اسب بستانم از اشکیوس

۱۳- در همه گزینه‌ها به‌جز گزینه ویژگی ملی حماسه وجود دارد.

(۱) گر رسد دشمنی برای وطن / جان و دل رایگان بیفشانیم

(۲) دروغ است ایران که ویران شود / کُنام پلنگان و شیران شود

(۳) جان سپارم به خاک پاک وطن / دفن‌گردم به زیر خاک وطن

(۴) دل فایز وطن دارد در آن زلف / مکن دور از وطن اهل وطن را

۱۴- در کدام ابیات، شدت جنگ بیشتر مشهود است؟

(الف) سزد گر بداری، سرش در کنار / زمانی برآسایی از کارزار

(ب) بشد تیز رهام با خود و گبر / همی گرد رزم اندر آمد به ابر

(پ) همه تیغ و ساعد ز خون بود لعل / خروشان دل خاک در زیر نعل

(ج) بخندید رستم، به آواز گفت / که بنشین به پیش گران‌مایه جفت

(د) هم‌اکنون تو را ای نبرده سوار / پیاده بیاموزمت کارزار

(۱) الف - ب (۲) ج - د (۳) د - الف (۴) ب - پ

۱۵- بیت کدام گزینه با سوره «آل‌عمران آیه ۱۶۹» قرابت معنایی دارد؟

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»

(۱) خواست زان قتل عام، قرب خدای / وای از این قریبه‌الی الله وای (قرب: نزدیکی)

(۲) عشق عجب غازی ایست زنده شود زو شهید / سر بنه ای جان پاک پیش چنین غازی‌ای (غازی: جنگجو)

(۳) زنده است آن‌که در ره تو می‌شود شهید / مرده است آن‌که بهر تو بسمل نمی‌شود (بسمل شدن: قربانی شدن)

(۴) ماه‌ها باید که تا یک پنبه‌دانه ز آب و خاک / شاهدهی را حلّه گردد یا شهیدی را کفن (حلّه: جامه نو)